

# آیات ولایت

گزارشی مختصر و روان از کتاب عبقات الانوار  
علامه میرحامد حسین

سمیه خلیلی آشتیانی



انتشارات نبأ

سرشناسه: خلیلی آشتیانی، سمیه، ۱۳۶۰  
عنوان قراردادی: عیقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار. فارسی. برگزیده  
عنوان و پدیدآور: آیات ولایت: گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار علامه میرحامد  
حسین / سمیه خلیلی آشتیانی.  
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.  
شابک: ۱- ۱۰۲- ۲۶۴- ۶۰۰- ۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص ۶۳-۶۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.  
عنوان دیگر: گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار علامه میرحامد حسین.  
موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت.  
موضوع: Proof of caliphate - Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -  
موضوع: احادیث خاص (ولایت)  
موضوع: Hadiths, Special (Velayat)  
موضوع: امامت.  
موضوع: Imamate  
شناسه افزوده: کننوری، میرحامد حسین، ۱۸۳۰ - ۱۸۸۸ م. عیقات الانوار فی اثبات الامامة  
الائمة الاطهار.  
رده‌بندی کنگره: ک ۹ ع ۲ / ۴۷۱۲۴۰ / ۷۹۳۱ / ۲۲۳ BP  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۲۰۸۳۰



انتشارات نبأ

## آیات ولایت

گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار علامه میرحامد حسین

نگارنده: سمیه خلیلی آشتیانی

حروفچینی: انتشارات نبأ / صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ و صحافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۷ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ / فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۱- ۱۰۲- ۲۶۴- ۶۰۰- ۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 264 - 102 - 1

۱۱۱۱۱۱۱۱



## فهرست مطالب

مقدمه	۹
بخش اول: آیه ولایت	۱۱
سبب نزول آیه	۱۲
اسناد حدیث	۱۲
الف) صحابه و تابعان	۱۲
ب) حافظان و محدثان	۱۳
متن حدیث	۱۳
روایت ابن اثیر	۱۳
روایت ابن ابی حاتم	۱۴
روایت طبری	۱۴
روایت ابونعیم اصفهانی	۱۵
دلالت آیه	۱۵
بخش دوم: آیه تطهیر	۱۹
سبب نزول آیه	۱۹

۲۰	..... اسناد حدیث
۲۰	..... الف) صحابه
۲۱	..... ب) حافظان و محدثان
۲۱	..... متن روایت
۲۱	..... روایت احمد بن حنبل
۲۲	..... روایت مسلم بن حجاج
۲۳	..... روایت رزین
۲۳	..... روایت حاکم نیشابوری
۲۴	..... دلالت روایت
۲۵	..... دلالت آیه بر عصمت اهل البيت <small>علیهم السلام</small>
۲۹	..... بخش سوم: آیه مودت
۲۹	..... تعیین مصداق آیه در روایات
۳۰	..... اسناد روایت
۳۰	..... الف) صحابه
۳۰	..... ب) تابعان
۳۱	..... ج) حافظان و محدثان
۳۲	..... متن روایت
۳۲	..... روایت محبّ الدین طبری
۳۲	..... روایت طبرانی
۳۲	..... روایت حاکم نیشابوری
۳۳	..... روایت ابن عساکر
۳۴	..... دلایل و شواهد دیگر بر نزول آیه درباره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۷	..... دلالت آیه مودت بر امامت و ولایت

## فهرست مطالب

۳۷	..... خویشاوندی نسبی و امامت
۳۹	..... واجب بودن موَدّت، وجوب اطاعت را به دنبال می‌آورد
۴۰	..... وجوب محبّت مطلق، موجب افضلیت است
۴۲	..... وجوب محبت مطلق، مستلزم عصمت است
۴۵	..... بخش چهارم: آیه مباهله
۴۶	..... سبب نزول
۴۷	..... اسناد روایت
۴۷	..... الف) صحابه
۴۸	..... ب) تابعان
۴۸	..... ج) حافظان و محدثان
۴۹	..... متن روایت
۴۹	..... روایت ابن عساکر
۵۰	..... روایت احمد بن حنبل
۵۰	..... روایت ابن شُبّه
۵۱	..... روایت حاکم حسکانی
۵۲	..... دلالت آیه
۵۷	..... بخش پنجم: آیه انذار
۵۷	..... تعیین مصداق آیه در روایات
۵۷	..... اسناد روایت
۵۸	..... الف) صحابه
۵۸	..... ب) حافظان و محدثان
۵۹	..... متن حدیث

۵۹	.....	روایت طبری
۵۹	.....	روایت حاکم نیشابوری
۶۰	.....	روایت ابن عساکر
۶۰	.....	روایت سیوطی
۶۰	.....	دلالت آیه
۶۵	.....	بخش ششم: آیه (إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ)
۶۵	.....	تعیین مصداق آیه در روایات
۶۵	.....	اسناد روایت
۶۶	.....	متن حدیث
۶۶	.....	روایت حبری
۶۷	.....	روایت حاکم حسکانی
۶۷	.....	روایت خفاجی
۶۹	.....	روایت حموی
۷۱	.....	بخش هفتم: آیه سابقون
۷۱	.....	تعیین مصداق آیه در روایات
۷۱	.....	اسناد روایت
۷۲	.....	متن حدیث
۷۳	.....	روایت ابن کثیر
۷۳	.....	روایت طبرانی
۷۵	.....	منابع



## مقدمه

روایات بسیاری از پیامبر اسلام ﷺ در مواضع و در زمان‌های متعدد صادر شده که به ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام تصریح دارد. این روایات توسط راویان شیعه و اهل سنت و در منابع متعدد، روایت و تکرار شده است. افزون بر این حجم گسترده از روایات، آیات متعددی نیز به موضوع ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام اختصاص یافته است تا روایات پیامبر اسلام مؤید آن باشد.

علامه میرحامد حسین همچون دیگر متکلمان امامیه برای اثبات ولایت حضرت علی علیه السلام - در کنار روایات متعددی که راویان بسیاری از اهل سنت و شیعه آنها را روایت کرده‌اند - قرآن کریم که زبان مشترک شیعه و اهل سنت است، برای اثبات امامت امیر المؤمنین علیه السلام بهره می‌جوید. اما با توجه به آنچه آیت‌الله سید علی حسینی میلانی در مقدمه جلد مربوط به آیات ولایت متذکر شده‌اند، ایشان تا امروز به بخش آیات کتاب عبقات الانوار دست نیافته‌اند. لذا به عنوان استدراک مجلدات

کتاب نفحات الازهار - که تلخیص کتاب عبقات الانوار است - به آن پرداخته‌اند. طبعاً در این استدراک، شیوه عبقات الانوار رعایت شده است.

این جلد طبق محتوای نفحات الازهار به هفت آیه از آیات مربوط به ولایت پرداخته است که مباحث مربوط به این آیات در جلد حاضر به اختصار گزارش شده است. شیوه اصل کتاب چنین است که برای هر یک از این آیات، روایات اسباب النزول و یا روایاتی که مصادیق این آیات را روشن ساخته، می‌آورد. سپس دلالت این آیات بر امامت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام را بررسی می‌کند.

آنچه گفته شد، مقدمه‌ای بود برای آشنایی با مباحثی که در ادامه از نظر می‌گذارید. این جلد از مجموعه مختصر عبقات الانوار، برگرفته از مجلد «آیات ولایت» نوشته آیت الله سید علی حسینی میلانی است که با ترجمه آقای دکتر محسن احتشامی نیا، از سوی انتشارات نبأ به زیور طبع درآمده است. امید است برای مخاطبان علاقه‌مند به مباحث اعتقادی، به ویژه مبحث امامت، در بهره‌مندی از مطالب و معارف آن مفید باشد.

والحمد لله رب العالمین

آذر ماه ۱۳۹۷

مصادف با ایام میلاد

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام

سمیه خلیلی آشتیانی

## بخش ۱

### آیه ولایت

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ \*  
وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ  
حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾<sup>۱</sup>

ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.\* و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، ولی خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروز مندانند.

---

۱. مائده، ۵۵ - ۵۶.

### سبب نزول آیه

دلیل نزول آیه آن بود که امیر مؤمنان علیه السلام انگشتی اش را در حال رکوع به فقیری تصدق داد.

### اسناد حدیث

راویان بسیاری از شیعه و اهل سنت، بر این قضیه با اسانید فراوان به روایت از جمع زیادی از صحابه و تابعان مشهور گواهی داده‌اند؛ از جمله:

### الف) صحابه و تابعان

- ۱- امام علی علیه السلام
- ۲- مقداد بن اسود کندی
- ۳- عمار بن یاسر
- ۴- عبدالله بن عباس
- ۵- ابوذر غفاری
- ۶- سعید بن جبیر
- ۷- عطاء
- ۸- مجاهد
- ۹- سُدّی

این سبب نزول را افزون بر صحابه و تابعان، شصت و سه نفر از راویان اهل سنت هم نقل کرده‌اند، که نام برخی از ایشان به ترتیب زمانی (قرن سوم تا دهم) چنین است.

## ب) حافظان و محدثان

نام راوی	قرن
عبدین حمید کثی (م ۲۴۹ هـ) احمد بن یحیی بلاذری (م بعد از ۲۷۰ هـ)	سوم
ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ هـ) محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ)	پنجم
ابوالحسن رزین عبدی اندلسی (م ۵۳۵ هـ) ابوالقاسم جار الله زمخشری (م ۵۸۳ هـ)	ششم
ابوالسعادت مبارک بن محمد ابن اثیر (م ۶۰۶ هـ)	هفتم
ابوحیان اندلسی (م ۷۵۴ هـ)	هشتم
شهاب الدین ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)	نهم
جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ هـ)	دهم

## متن حدیث

## روایت ابن اثیر

او با سند خود از نسائی آورده است:

«عبدالله بن سلام گفت: به همراه تعدادی از قوم خود نزد رسول خدا ﷺ آمدم، ما به او عرضه داشتیم که قوم ما با ما ضدیت ورزیدند هنگامی که خدا و رسولش را تصدیق کردیم و سوگند خوردند

که با ما سخن نگویند. پس خدای متعال آیه: ﴿إِنَّمَا  
 وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾ را نازل فرمود. سپس بلال  
 برای نماز ظهر، اذان گفت و مردم برای نماز  
 برخاستند. برخی در سجده و برخی در رکوع  
 بودند. در این هنگام، فردی نیازمند از مردم کمک  
 خواست که علی انگشترش را به او بخشید، در  
 حالی که در رکوع بود. آن سائل، پیامبر خدا را از  
 این بخشش مطلع ساخت، آنگاه رسول خدا ﷺ  
 این آیه را بر ما خواند: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
 وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
 وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.<sup>۲</sup>

#### روایت ابن ابی حاتم

«او در روایتی از سلمة بن کهیل آورده که گفت:

علی عليه السلام انگشترش را صدقه داد، در حالی که در  
 رکوع بود، پس آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ  
 الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ نازل شد.<sup>۳</sup>

#### روایت طبری

طبری گوید: اهل تأویل در معنای این آیه اختلاف کرده‌اند.

۱. مائده، ۵۵.

۲. ابن اثیر، جامع الاصول فی احادیث الرسول، ج ۹، ص ۴۷۸.

۳. ابی حاتم رازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۹۳.

برخی گفته‌اند علی بن ابی طالب است و برخی دیگر مقصود آیه را تمام مؤمنان دانسته‌اند؛ او با سندی از مجاهد روایت کرده است که گفت: آیه فوق درباره‌ی علی بن ابی طالب نازل شده است، او صدقه داد، در حالی که در رکوع بود.<sup>۱</sup>

#### روایت ابونعیم اصفهانی

او با سندی از جابر روایت کرده است که گفت: عبدالله بن سلام همراه عده‌ای آمد که آنان از دوری کردن مردم از ایشان، از زمانی که مسلمان شده بودند شکایت داشتند. وی گفت: سائلی را برایم بیاورید. ما داخل مسجد شدیم. سائل به طرف او رفت و وی پرسید: آیا کسی به تو چیزی داد؟

سائل گفت: بلی، از کنار مردی رکوع کننده عبور می‌کردم که انگشترش را به من بخشید. وی گفت: برو و او را به من نشان بده. ما رفتیم و در حالی که علی ایستاده بود، گفت: این است. پس این آیه نازل شد: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾<sup>۲</sup>

#### دلالت آیه

لفظ «وَلِيُّكُمْ» در آیه، اولویت در تدبیر امور و وجوب اطاعت آنان بر مردم را می‌رساند. همچنین ثابت است که اشاره

۱. طبری، جامع البیان، ج ۶، ص ۱۸۶.

۲. ابونعیم اصفهانی، النور المشتعل من کتاب منازل من القرآن فی علی علیه السلام، ص ۶۱.

سخن خدای متعال در ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ امیر مؤمنان است و با این مطلب آشکار می‌گردد که نصّ بر امامت او گویاست.<sup>۱</sup> وجه دلالت در آیه آن است که منظور از لفظ «وَلِيَّكُمْ» در آیه، کسی است که به تدبیر و انجام کارهای مردم متحقق شده و اطاعت او بر همگی مردم واجب گشته است و اثبات می‌شود که معنای ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ امیر مؤمنان علیه السلام است. اثبات این دو وصف یعنی «ولایت بر شما» و «کسانی که ایمان آورده‌اند» دلالت دارد بر این که علی علیه السلام امام و رهبر برای ماست.<sup>۲</sup> این آیه دلالت بر امامت علی علیه السلام دارد. استدلال به این آیه بر اثبات چند مقدمه استوار است:

**مقدمه اول:** لفظ «انّما» دلالت بر انحصار می‌کند و نقل و عقل بر این مطلب دلالت دارد؛ از نظر نقل، ادبای عربی بر این مطلب اجماع دارند.

از نظر عقل، لفظ «انّ» برای اثبات و لفظ «ما» برای نفی قبل از ترکیب است و همین حالت بعد از ترکیب هم در جمله صادق است و این ادامه عمل به خاطر استصحاب و ابقای بر عمل و برای اجماع بر این دلالت است.

**مقدمه دوم:** کلمه «ولی» دلالت بر اولویت در تصرف می‌کند. دلیل این سخن نقل تمام لغویون و استعمال آنها است، مانند ولیّ

۱. سید مرتضی، الذخیره فی علم الکلام، ص ۴۳۸.

۲. شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ج ۲، ص ۱۰.



دم (صاحب خون) و ولیّ میت (صاحب میت) و مانند حدیث معروف: «هر زنی که بدون اذن ولیّش ازدواج کند، نکاح او باطل است.»

مقدمه سوم: مراد از کلمه مؤمنان در آیه فوق، همه مؤمنان نیست، بلکه برخی مؤمنان منظور می‌باشد. زیرا خدای متعال آنان را به ویژگی مخصوص ستوده است و اگر این ویژگی اختصاصی شود، اتحاد ولیّ با کسی که بر او ولایت وجود دارد، لازم می‌آید.

هرگاه این مقدمات جمع شود، می‌گوییم: مراد و مقصود از این آیات، علی علیه السلام است؛ به جهت اجماعی که در این مورد حاصل شده است که منظور آیه همه مؤمنان نیست بلکه منظور برخی مؤمنان اند که همان علی علیه السلام است و اگر کسی این مطلب را تغییر دهد، خرق اجماع کرده است. زیرا بنا به اجماع مسلمانان در آیه عمومیت وجود ندارد تا همه مؤمنان مراد باشند و مفسران قرآن اتفاق نظر دارند که مراد این آیه حضرت علی علیه السلام است. او در حالت رکوع انگشترش را بخشید که آیه نازل شد و در این مسأله هیچ مخالفی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

۱. علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۲۵.



## بخش ۲

### آیه تطهیر

﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ  
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾<sup>۱</sup>  
خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان  
[پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

### سبب نزول آیه

پیامبر اکرم ﷺ به خانه حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدند؛ و  
با خود پارچه‌ای به همراه داشتند که ابتدا حسنین علیهما السلام و سپس  
حضرت علی علیه السلام و پس از ایشان حضرت فاطمه علیها السلام را با این  
پارچه پوشاندند. سپس فرمودند:

﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

۱. احزاب، ۳۳.

اسناد حدیث

این روایت با اختلاف در الفاظ آن، از دوازده تن از صحابه روایت شده، این شمار تنها تعدادی از راویان این روایت از میان صحابه است. به جز صحابه، از هجده تن از روات اهل سنت نیز روایت شده است، از جمله:

الف) صحابه

- ۱- عایشه دختر ابوبکر
- ۲- امّ سلمه همسر پیامبر رسول خدا
- ۳- عبدالله بن عباس
- ۴- سعد بن ابی وقاص
- ۵- ابوالدرداء
- ۶- انس بن مالک
- ۷- ابوسعید خُدّری
- ۸- واثله بن اسقع
- ۹- جابر بن عبدالله انصاری
- ۱۰- زید بن أرقم
- ۱۱- عمر بن ابی سلمة
- ۱۲- ثوبان مولی رسول خدا

## ب) حافظان و محدثان

نام راوی	قرن
احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ هـ) عبد بن حمید کشتی (م ۲۴۹ هـ) محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹ هـ) ابوبکر احمد بن عمرو بن عبد الخالق (بزار) (م ۲۹۲ هـ)	سوم
ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ هـ) محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ)	پنجم
ابو السعادت مبارک بن محمد ابن اثیر (م ۶۰۶ هـ)	هفتم
شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (م ۷۴۸ هـ)	هشتم
جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ هـ)	دهم

## متن روایت

آنچه در سبب نزول آیه روایت شد، در کتب حدیث با الفاظ مختلف اما با مضمون یکسان روایت و نقل شده است، که در این بخش نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم.

## روایت احمد بن حنبل

وی با سندی از عطاء بن ابی رباح از امّ سلمه روایت می‌کند که وی گفت: پیامبر در خانه‌اش بود که فاطمه نزد وی آمد؛ در حالی

که ظرفی گلین داشت و در آن غذا بود و با آن ظرف بر پیامبر وارد شدند. پیامبر به فاطمه فرمود: شوهر و دو پسر را دعوت کن. امّ سلمه گوید: علی و حسن و حسین بر پیامبر وارد شدند و نزد ایشان نشستند و از آن ظرف غذا خوردند؛ در حالی که پیامبر در اتاق خود بر روی تختی قرار داشت که زیر آن پارچه‌ای خیبری قرار گرفته بود.

امّ سلمه گوید: من در اتاق در حال نماز خواندن بودم که خداوند این آیه را نازل کرد:

﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً﴾<sup>۱</sup>.

#### روایت مسلم بن حجاج

او با سندی از صفیه دختر شبیه نقل کرده که وی از قول عایشه گفت:

صبح زود، پیامبر ﷺ از خانه خارج شد در حالی که پارچه‌ای سیاه و بدون مو به همراه داشت. حسن بن علی بر وی وارد شد و پیامبر پارچه را بر روی او پوشانید. آنگاه حسین و فاطمه و علی به همین سان بر وی وارد شدند و ایشان پارچه را بر همگی آنان پوشاندند.  
سپس فرمودند:

۱. ابن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۲۹۲.

﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً﴾<sup>۱</sup>.

### روایت رزین

امّ سلمه گفت: این آیه در خانه من نازل شده است:

﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً﴾.

در حالی که من کنار در نشسته بودم و گفتم: ای رسول خدا، آیا من نیز از اهل بیتم؟ پیامبر فرمود: تو بر خیر هستی، تو از همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستی.

امّ سلمه گوید: این آیه نازل شد در حالی که در خانه جز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی و فاطمه و حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام نبود و پیامبر آنان را با پارچه‌ای پوشانید و می‌گفت: بار خدایا، اینان اهل بیت من هستند، از اینان پلیدی را دور کن و آنان را پاکیزه بگردان. امّ سلمه گفت: ای پیامبر خدا، آیا من نیز با آنانم؟ پیامبر فرمود: تو بر جاییت بایست، تو بر خیر هستی.<sup>۲</sup>

### روایت حاکم نیشابوری

وی با سندی از عطاء بن یسار از امّ سلمه آورده که وی گفت:  
آیه ﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

۲. ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱۰، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.

يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» در خانه من نازل شده است. رسول خدا ﷺ به دنبال علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ فرستاد و آنگاه گفت: خدایا، اینان اهل بیت من هستند.

ام سلمه گفت: ای رسول خدا من نیز از اهل بیتم؟ پیامبر فرمود: تو اهل من هستی و اهل خیری، ولی اینان اهل بیت من هستند. خدایا، اهل من سزاوارتر هستند.<sup>۱</sup>

#### دلالت روایت

از این روایات، نکات چندی بر می آید، از جمله: مراد از «اهل البیت» در آیه مبارکه اینان اند: پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ. هیچ کسی با اینان در این صفت مشارکت ندارد؛ نه همسران پیامبر و نه غیر آنان. درباره همسران پیامبر، احادیث همگی دلالت می کند که پیامبر به هیچ کدام اجازه وارد شدن در «کساء» را نداده اند؛ نص حدیث در این باره روشن شده است. این آیه در واقعه ای معین و قضیه ای خاص اتفاق افتاده است. این قسمت آیه، به قبل و بعد آن کوچکترین ارتباطی ندارد و منافاتی میان این بخش و بقیه قسمتهای آن که خطاب آن - به همسران پیامبر است - وجود ندارد. دو دلیل بر این نکته وجود دارد:

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۱۶.



الف) آوردن ضمیر «عنکم» و «یطهّركم»، نه ضمیر «عنکن» و «یطهركن»

در آیه شریفه با برداشته شدن آیه تطهیر هیچ‌گونه تغییری ایجاد نمی‌شود، اتصال آیه قبل از آیه تطهیر با بعد از آن کاملاً حفظ می‌شود و هیچ اختلافی به مفهوم آیه با برداشته شدن آیه تطهیر پیدا نمی‌شود.

پاسخی که پیامبر ﷺ به سؤال امّسلمه می‌دهد. وی می‌خواهد از «اهل البیت» باشد، اما پیامبر پاسخ می‌دهد که تو از همسران پیامبری، نه اهل بیت پیامبر. از این کار پیامبر می‌فهمیم که بین مفهوم و مصداق «همسران پیامبر» و «اهل بیت پیامبر» تفاوت اساسی وجود دارد.

اینکه پیامبر در زمانی طولانی از در خانه فاطمه عبور می‌کرد و آنان را با عنوان «اهل البیت» مورد خطاب قرار می‌داد و دعوت به نمازشان می‌کرد، حاکی از این نام‌گذاری خاص است. البته روایات در این باره زیاد است.

#### دلالت آیه بر عصمت اهل البیت علیهم‌السلام

اصحاب امامیه به آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام استدلال کرده‌اند؛ البته پس از آنکه با استفاده از روایات متواتر میان شیعه و سنی که منظور از اهل البیت علیهم‌السلام را بیان کرده‌اند. برخی از نکاتی که از آیه برداشت می‌شود، چنین است: «انما» حصر را می‌رساند، چرا که خدای متعال بردن رجس

و پلیدی را تنها از اینان اراده کرده است.  
 کلمه «اراده» در آیه کریمه، تکوینی است، از قبیل اراده در این  
 سخن خدای متعال که فرموده:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛<sup>۱</sup>

چون به چیزی اراده فرماید، کارش این بس که  
 می‌گوید: «باش»؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود.  
 و منظور آیه اراده تشریحی نیست، هم چون آیه شریفه:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾؛<sup>۲</sup>

خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما  
 دشواری نمی‌خواهد.

اگر در آیه تطهیر، اراده الهی تشریحی باشد، با نص آیه به  
 حصر آن به وسیله کلمه «اتّما» سازگاری ندارد. زیرا هیچ  
 ویژگی خاصی ندارد که تشریح احکام منحصر به آنان باشد.  
 همچنین آیه با احادیث متواتر منافات خواهد داشت، چرا که  
 پیامبر آیه را فقط برای اهل بیت تطبیق فرموده است، نه غیر  
 آنان.

کلمه «رجس» در آیه عبارت است از «ذنوب یعنی گناهان». در اینجا شبهه‌ای وجود دارد که باید بدان پرداخت. اگر اراده در آیه، اراده تکوینی دال بر عصمت باشد، نتیجه این اراده تکوینی

۱. یس، ۸۲.

۲. بقره، ۱۸۵.

آن است که مراد الهی حتماً باید تحقق پیدا کند. چرا که تخلف از اراده الهی محال است و این قول به جبر می انجامد و قول به جبر را علمای امامیه قبول ندارند.

علمای امامیه با توجه به اعتقاد: «نه جبر و نه تفویض بلکه امری است بین دو امر» به این اشکال چنین پاسخ داده اند: مفاد آیه این است که اراده اهل بیت دائماً مطابق اراده الهی است و آنان همیشه طبق تشریحات الهی عمل می کنند، چرا که همیشه در حالات معنوی عالی سر می کنند و خدای متعال نیز این را می داند. بنابراین صحیح خواهد بود که خدای متعال از ذات مقدس خودش و با اراده تکوینی خود خبر بدهد که نمی خواهد آنان گناه بکنند. پس در افعال آنان گناه یافت نمی شود و آنان همان چیزی را می خواهند که خدا می خواهد. اما بقیه مردم چون بر این حالات معنوی نیستند، اراده الهی نیز بر زدودن گناه از آنان تعلق نگرفته است.

اگر در آیه، این منزلت عظیم برای اهل بیت علیهم السلام بیان و اثبات نشده بود، چرا دشمنان آنان از خوارج و نواصب، سعی در انکار تأویل آیه درباره ایشان داشتند و می خواستند این فضیلت را به غیر آنان - یعنی همسران پیامبر - نسبت بدهند؛ در حالی که خود همسران چنین ادعایی نداشته اند، و با آن که کسی جز خود این بزرگواران، این منقبت را برای خود اثبات نکرده اند؟



## بخش ۳

### آیه مودت

﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾<sup>۱</sup>

بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.»

#### تعیین مصداق آیه در روایات

براساس روایات تفسیری ذیل آیه از مصداق (القربی) در آیه از پیامبر اسلام پرسیدند. حضرتش این افراد را حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام معرفی می‌کنند.

---

۱. شوری، ۲۳.

اسناد روایت

شمار زیادی از صحابه و بزرگان تابعان که مورد مراجعه مفسران قرآن هستند، این موضوع را روایت کرده‌اند. برخی از آنان عبارت‌اند:

الف) صحابه

- ۱- امام علی علیه السلام
- ۲- امام حسن علیه السلام
- ۳- امام حسین علیه السلام
- ۴- عبدالله بن عباس
- ۵- عبدالله بن مسعود
- ۶- جابر بن عبدالله انصاری

ب) تابعان

- ۱- امام سجّاد علیه السلام
- ۲- امام باقر علیه السلام
- ۳- امام صادق علیه السلام
- ۴- سعید بن جبیر
- ۵- مجاهد بن جبر
- ۶- سُدی
- ۷- فضال بن جبیر

## ج) حافظان و محدثان

افزون بر صحابه و تابعان، حافظان و محدثان و مفسران بسیاری از اهل سنت نزول آیه مودت را درباره اهل بیت علیهم السلام مسلم و قطعی دانسته‌اند. نام شماری از ایشان را براساس ترتیب زمانی ذکر می‌کنیم.

نام راوی	قرن
احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ هـ) محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ) ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ هـ) مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ هـ) ابوبکر احمد بن عمرو بن عبد الخالق (بزار) (م ۲۹۲ هـ)	سوم
محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)	پنجم
ابوالقاسم علی بن حسن بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ هـ) علی بن محمد بن اثیر جزری (م ۶۳۰ هـ)	ششم
محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ) محب الدین، احمد بن عبدالله طبری (م ۶۹۴ هـ)	هفتم
ابوالبرکات نسفی (م ۷۱۰ هـ) ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ هـ)	هشتم
شهاب الدین احمد بن علی بن محمد ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)	نهم
جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ هـ) شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ هـ)	دهم

## متن روایت

## روایت محبّ الدین طبری

او با سندی از ابن عباس آورده که گفت: هنگامی که آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، نزدیکان تو که دوستی آنها بر ما واجب شده چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنها.<sup>۱</sup>

## روایت طبرانی

وی با سندی از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است: هنگامی که آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، آن کسانی که محبت آنان بر ما واجب گشته است، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و پسران آن دو.<sup>۲</sup>

## روایت حاکم نیشابوری

او با سندی از عمر بن علی از پدرش علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که گفت: حسن بن علی علیه السلام، پس از شهادت پدرش، سخترانی کرد. وی حمد خدا را به جای آورد و بر او ثنا کرد و سپس فرمود:

۱. محبّ الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۵.

۲. طبرانی، معجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۷.



«امشب مردی قبض روح شد که هیچ کس از پیشینیان در هیچ عملی بر او پیشی نگرفت و هیچ کسی از آیندگان هم نمی‌توانند بر او سبقت بگیرند. سپس گفت:

ای مردم، هر کسی مرا می‌شناسد که شناخته است. هر کسی مرا نمی‌شناسد، بداند که من حسن بن علی هستم. من پسر پیامبر و پسر وصی پیامبرم. من پسر بشیر و نذیر هستم... من از اهل بیته هستم که خداوند محبت آنان را بر هر مسلمانی واجب ساخته است و در کتاب خود به پیامبرش چنین فرموده است:

بگو من از شما برای رسالتم مزدی نمی‌طلبم مگر دوستی خوبشاوندانم را؛ و هر کس نیکی انجام دهد، برای او در آن نیکی، حُسن را بیافزایم. اقراراف حسنه [گرفتن نیکی] دوستی ما اهل بیت است.»<sup>۱</sup>

#### روایت ابن عساکر

او نقل کرده است که مروان به امر معاویه، دختر عبدالله بن جعفر را برای یزید خواستگاری کرد. ولی عبدالله امر دخترش را به امام حسین علیه السلام سپرد تا او را برای قاسم بن محمد بن جعفر عقد کند. حضرتش پس از حمد و ثنای الهی در مسجد نبوی، وقتی بنی هاشم و بنی امیه در آنجا گرد آمده بودند، فرمود:

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۲.

«به راستی اسلام پستی را دفع کرد، نقصان را برطرف ساخت و پلیدی را زدود. پس هیچ سرزندی بر مؤمن نیست مگر در گناه و معصیت. به یقین، قربتی که خداوند حقش را بزرگ داشته و به رعایت آن دستور داده و امر کرده که پیامبرش آن را به عنوان اجر خود برای مودت اهلش بخواند، قربت ما اهل بیت است...»<sup>۱</sup>

#### دلایل و شواهد دیگر بر نزول آیه درباره اهل بیت علیهم السلام

بسیاری از مفسران و دیگر دانشمندان، دلایل و شواهد دیگری از احادیث و اخبار را بر تأیید نزول آیه مودت درباره اهل بیت علیهم السلام بیان کرده‌اند. در اینجا به عنوان نمونه، دیدگاه دو تن از ایشان را ذکر می‌کنیم.

زمخشری روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره نزول آیه مودت در خصوص اهل بیت علیهم السلام را آورده که چنین فرمود:

«بهشت حرام شده است بر هر کسی که به اهل بیت من ظلم کند و به سبب اذیت خاندانم به من آزار رساند. هر کس کار نیکی نسبت به فرزندان عبدالمطلب انجام دهد و آنان تلافی نکنند، در فردای قیامت وقتی که با من ملاقات کنند، من به جای آنان پاداش ایشان را خواهم داد.»

۱. تعلیقه علامه محمودی بر شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴۴، به نقل از انساب الأشراف، ذیل شرح حال معاویه.

وی در ادامه روایتی دیگر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نقل کرده است که ایشان فرمود:

«آگاه باشید! کسی که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید مرده است. آگاه باشید! هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، گناهانش آمرزیده می‌شود. آگاه باشید! هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد در حالت توبه مرده است. آگاه باشید! هر کسی بر دوستی آل محمد بمیرد، در حالت ایمان کامل مرده است. آگاه باشید! هر کسی بر دوستی آل محمد بمیرد، ملک الموت و نکیر و منکر وی را به بهشت بشارت می‌دهند. آگاه باشید! هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، او را به بهشت می‌برند، همچون عروسی که به خانه شوهرش می‌برند. آگاه باشید! هر کسی بر دوستی آل محمد بمیرد، در قبرش دو در از بهشت گشوده خواهد شد. آگاه باشید! هر کسی بر دوستی آل محمد بمیرد، قبرش را ملائکه رحمت زیارت خواهند کرد. آگاه باشید! هر کسی بر دوستی آل محمد بمیرد، بر طریقه و سنت پیامبر و جماعت مسلمانان مرده است. آگاه باشید! هر کسی بر دشمنی آل محمد بمیرد، هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد»<sup>۱</sup>.

۱. زمخشری، الکشاف فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

فخر رازی از ابن عباس روایت کرده است: هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه آمد، به وی مصیبت‌هایی رسید و حق برخی بر عهده او بود، ولی مال و ثروتی نداشت. بنابراین، انصار با خود گفتند: ای مردم، خداوند شما را به وسیله این مرد هدایت کرد، و او پسر خواهر شما و همسایه شما در سرزمین شماست. اینک قسمتی از اموالتان را برایش گرد آورید، او را حاضر گردانید و سپس آنها را به او تسلیم کنید؛ آنگاه این آیه نازل شد:

﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

یعنی در برابر ایمان، من از شما مزد و اجری نمی‌طلبم، مگر این که نسبت به خویشان من محبت کنید. پیامبر آنها را به مودت و دوستی خویشانش تشویق کرد.

وی در ادامه می‌افزاید: «من می‌گویم: آل محمد همان کسانی هستند که امر همه مردم به آنان باز خواهد گشت. امر مردم به کسانی از آنان ارجاع می‌شود که کامل‌تر و شدیدترند و آنان «آل» هستند. بی‌تردید، فاطمه و علی و حسن و حسین بیشترین ارتباط و تعلق را به پیامبر داشته‌اند و این مطلب با نقل‌های متواتری که رسیده معلوم و مشخص است. پس لازم و بایسته است که آنان آل و خاندان پیامبر باشند.<sup>۱</sup>

۱. فخررازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

## دلالت آیه مودت بر امامت و ولایت

## خویشاوندی نسبی و امامت

اگر به فرض، قرابت نسبی دخالت و اثری در امامت و خلافت نداشته باشد، در این صورت باز هم در امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هیچ شکی وجود ندارد. زیرا هر عاملی برای استحقاق خلافت برای کسی در نظر بگیریم، تمام آنها در علی علیه السلام به نحو برتر، کامل تر و تمام تر وجود دارد. به علاوه - به نحوی که از کلام سید احمد ابن طاووس استفاده می شود - این قرابت نسبی نیز در امر خلافت، اثر و دخالت دارد.

سید احمد ابن طاووس در پاسخی که بر رساله عثمانیه جاحظ نوشته، درباره این قرابت نسبی و تأثیر آن در مسأله امامت علی علیه السلام آورده است:

جاحظ گوید: عثمانی ها می پندارند که: «کسی به ریاست دینی نمی رسد مگر به سبب دین». وی در این باره با سخنانی طولانی کتابش را انباشته و خطابه اش را زیاد کرده و با الفاظی آراسته و کلماتی فراوان، عبارتی را آورده که جواب او این است:

امامیه برای استحقاق ریاست و امامت فقط نسب و خویشی را شرط نمی داند، پس تمامی پرگویی های او از درجه اعتبار ساقط است. ولی امامیه می گویند که اگر نسب دلیلی بر استحقاق باشد، بنی هاشم نسبت به دیگران و علی علیه السلام نسبت به دیگر افراد بنی هاشم اولویت دارند.

اگر استحقاق به نسب و خویشی است، پس علی اولویت دارد؛ زیرا او داماد رسول خدا ﷺ است.

اگر استحقاق به تربیت باشد، علی اولویت دارد. اگر استحقاق به ولادت از سرور زنان باشد، علی اولویت دارد. اگر استحقاق به هجرت باشد، علی علیه السلام با خوابیدنش در بستر رسول خدا سبب ساز آن شد. زیرا تمام مهاجران، به جز رسول خدا، رهین این فداکاری علی بودند و همه، مدیون اویند. اگر استحقاق به جهاد در راه خدا باشد، علی علیه السلام اولویت دارد. اگر استحقاق به حفظ قرآن است، علی اولویت دارد. اگر به تفسیر قرآن است، علی علیه السلام اولویت دارد. اگر استحقاق به علم است، علی علیه السلام اولویت دارد. اگر استحقاق به خطابه و سخن‌وری است، علی علیه السلام اولویت دارد و اگر استحقاق به شعر و شاعری است، علی علیه السلام اولویت دارد.

وی در ردّ سخن ابوعثمان جاحظ که گفت: «هیچ کس به ریاست دینی جز به سبب دین نمی‌رسد». چنین می‌گوید: اگر صاحب دین دست از صلاح و نیکی بردارد، شایسته ریاست نخواهد بود.<sup>۱</sup>

۱. سید احمد ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية، ص ۳۷۸ - ۳۹۱.

### واجب بودن موَدّت، وجوب اطاعت را به دنبال می‌آورد

مراد از موَدّت، محبّت به تنهایی نیست. مخصوصاً در آیه شریفه مورد بحث، آنجا که می‌فرماید:

«این پاداشی است که خدا به بندگان مژده می‌دهد. بندگان که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دهند. بگو بر تبلیغ رسالتم مزدی نمی‌طلبم مگر این که به خویشان من دوستی کنید»

در این آیه شریفه - اگر استثناء را متصل بدانیم - موَدّت را اجر رسالت قرار داده است و معلوم است که اگر بین دو امر، تساوی نباشد، نمی‌توان اجر و موَدّت را با یکدیگر مقابل دانست و این تساوی، صادق نیست. بنابراین، اگر ما به عظمت رسالت محمدی نزد خدا و نزد بشریت واقف باشیم، به عظمت این اجر و موَدّت در خویشان پیامبری برده و بدان هدایت می‌شویم.

اما اگر استثنای آیه شریفه را منقطع بدانیم و به روایات ذیل آن مراجعه کنیم، ما را به این نکته راهنمایی می‌کند که مسلمانان می‌خواستند در مقابل ادای رسالت پیامبر به او اموالی دهند که وی به گشایش و راحتی برسد؛ ایشان این پیشنهاد را رد می‌کند و می‌گوید: تبلیغ او اصلاً پاداشی ندارد. پیامبر می‌افزاید: اما من دوستی خویشاتم را از شما طلب می‌کنم و این همان امر مطلوب و محبوبی است که انجام آن بر مسلمانان واجب است...

پس وجوب موَدّت - در چنین جایگاهی؛ آنچنان که در مقدمات افراد هست و از آنان خواسته شده - دلالت می‌کند که

این امر از مهم‌ترین امور نزد خدا و پیامبر اوست.  
از این رو در این آیه، تنها محبت و مودت خواسته نشده، بلکه  
محبتی خواسته شده که به دنبال آن انقیاد و اطاعت باشد. خدای  
متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾؛

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا  
خدا دوستتان بدارد...<sup>۱</sup>

اتباع و تبعیت یعنی اطاعت امر و فرمان خدا، همان سان که  
در این آیه بدان اشاره شده است:

﴿وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي﴾؛<sup>۲</sup>

و پروردگار شما [خدای] رحمان است، پس مرا  
پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید.

اتباع و انقیاد کامل و اطاعت مطلق، همان معنای امامت و  
ولایت است.

### وجوب محبت مطلق، موجب افضلیت است

حضرت علی علیه السلام از کسانی است که محبت و مودت او به طور  
مطلق واجب است. کسی که محبت وی این‌گونه باشد،  
محبوب‌ترین شخص است؛ محبوب‌ترین شخص نزد خدا و

۱. آل عمران، ۳۱.

۲. طه، ۹۰.



رسولش فاضل‌ترین افراد است و فاضل‌ترین امام است. بدین روی، علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله امام است. این بحث با طیّی مقدماتی روشن می‌شود: مقدمه اول کاملاً واضح است و از آیه شریفه موَدّت برمی‌آید.

مقدمه دوم نیز به همین مقدار روشن است؛ یکی از روایات که بیان می‌کند علی علیه السلام محبوب‌ترین افراد نزد خدا و رسولش است، «حدیث طیر»<sup>۱</sup> است. مقدمه سوم نیز کاملاً واضح است؛ همان‌گونه که تعدادی از علمای اهل سنت به آن تصریح کرده‌اند: محب الدّین طبری می‌گوید:

«این سخن ماست: ولایت و امامت فرد مفضول با وجود انسان افضل منعقد نمی‌شود».<sup>۲</sup>

ابن تیمیه در جایی از کتابش، به عدم جواز امامت فرد مفضول (پایین دستی) با وجود فرد افضل (برتر) قائل شده است.<sup>۳</sup>

۱. برای پیامبر صلی الله علیه و آله پرنده بریانی را آورده بودند، فرمود: بارخدا، محبوب‌ترین مخلوق خودت را نزد من حاضر کن. آنگاه علی علیه السلام آمد و به همراه رسول خدا از آن پرنده بریان تناول کرد. «بنگرید: جلد حدیث طیر از همین مجموعه»

۲. محب الدین طبری، الریاض النضره، ج ۱، ص ۲۱۶، باب خلافت ابوبکر.

۳. ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۳، ص ۲۷۷، چاپ قدیم.

### و جوب محبت مطلق، مستلزم عصمت است

مطلق بودن امر به مودت ایشان، دلیل بر عصمت آنان است. وقتی عصمتش ثابت شد، امامت نیز ثابت می‌شود و این مطلبی واضح است.

مطلق بودن امر به مودت اهل البیت - که دلالت بر اطاعت مطلق می‌کند - دلیل بر عصمت آنان است. در این مورد کافی است به سخن فخر رازی در تفسیر آیه ذیل نظری بیاندازید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ  
وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

فخر رازی در این باره گوید:

«خدای متعال در این آیه به شکل جزمی و یقینی به اطاعت از اولی الامر فرمان داده است. هرکس که خداوند به طور یقینی و قطعی دستور به اطاعت او دهد، باید معصوم از خطا باشد. زیرا اگر معصوم از خطا نباشد، به خاطر اقدام وی امر به خطا خواهد بود، اما خطا به دلیل خطا بودنش مورد نهی واقع شده است. آنگاه این مطلب منجر به اجتماع امر و نهی در فعل واحد به اعتبار واحد بودن می‌انجامد؛ در حالی که این محال است. پس ثابت می‌شود که هر کسی را خدای متعال به طور

قطعی امر به طاعت کرده باشد، باید معصوم از  
خطا باشد؛ پس به طور قطع ثابت شد که اولی  
الامر که در آیه از آنها صحبت شده حتماً باید  
معصوم باشند.»<sup>۱</sup>

---

۱. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۴۴.



## بخش ۴

### آیه مباحله

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ  
فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَ  
نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ  
لُعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾<sup>۱</sup>

پس هر که در این [باره] - پس از دانشی که تو  
را [حاصل] آمده - با تو محاجّه کند، بگو:  
«بیا بید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و  
زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان  
نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم،  
و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

---

۱. آل عمران، ۶۱.

## سبب نزول

این آیه بنا به محتوایی که دارد و با مراجعه به منابع تاریخی، در صدد نقل ماجرای درخواست مباحله مسیحیان نجران با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیست و چهارم ذی الحجه سال دهم هجری است.

مسیحیان نجران از پیامبر اسلام درخواست مباحله کردند و قرار شد هر گروه با مردان و زنان و پسران خود برای مباحله حاضر شوند. فردای آن روز رسول خدا، حسین را در آغوش داشت، دست حسن را گرفته بود، فاطمه به دنبال ایشان و علی - (سلام الله علیهم) - نیز پشت سر او بود. پیامبر فرمود: هنگامی که دعا کردم، آمین بگویند.

اسقف نجران گفت: ای گروه نصاری، من [امروز] چهره‌هایی می‌بینم که اگر خدا بخواهد، کوه‌ها را از جایشان می‌کند. مباحله نکنید که هلاک می‌شوید و تا روز قیامت هیچ فرد مسیحی بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

گفتند: ای ابوالقاسم! ما اندیشیدیم که با تو مباحله نکنیم، تو بر دین خود باشی و ما نیز بر دین خودمان.

پیامبر به آنان فرمود: اگر از مباحله روی گردانید، پس اسلام بیاورید تا آنچه مسلمانان دارند برای شما هم باشد و از امتیازات آنان برخوردار شوید. ولی آنان امتناع کردند. پیامبر فرمود: پس من شما را به جنگ و منازعه دعوت می‌کنم.

آنان گفتند: ما طاقت و توان جنگیدن با عرب را نداریم، اما با تو مصالحه می‌کنیم که با ما نجنگید و ما را سبک و خفیف نسازید و ما را از دینمان بازنگردانید. ما هم در مقابل، هر سال دو هزار حُلّه به شما می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

#### اسناد روایت

شمار زیادی از صحابه و بزرگان تابعان که مورد مراجعه مفسران قرآن هستند و نیز شمار بسیاری از حافظان و راویان اهل سنت این موضوع را روایت کرده‌اند. برخی از آنان عبارت‌اند:

#### الف) صحابه

- ۱- حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام
- ۲- عبدالله بن عباس
- ۳- جابر بن عبدالله انصاری
- ۴- سعد بن ابی وقاص
- ۵- عثمان بن عفان
- ۶- سعید بن زید
- ۷- حذیفه بن یمان
- ۸- ابوسعید خدری
- ۹- امّ سلمه همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۳۶۹ - ۳۷۰.

## ب) تابعان

۱- مقاتل

۲- کلبی

۳- سُدی

۴- قتاد

۵- مجاهد

## ج) حافظان و محدثان

نام راوی	قرن
ابوبکر عبدالله بن ابی شیبہ (م ۲۳۵ هـ) احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ هـ) مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ هـ) محمد بن عیسیٰ ترمذی (م ۲۷۹ هـ)	سوم
محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نُعَیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)	پنجم
ابوالقاسم علی بن حسن بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ هـ) علی بن محمد بن اثیر جزیری (م ۶۳۰ هـ) محب الدین، احمد بن عبدالله طبری (م ۶۹۴ هـ)	ششم
ابوالبرکات نسفی (م ۷۱۰ هـ) ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ هـ)	هشتم
شهاب الدین احمد بن علی بن محمد ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)	نهم



دهم	جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (م ۹۱۱ هـ) شهاب‌الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ هـ)
-----	--

## متن روایت

اخباری درباره نزول آیه درباره حضرت امام علی، حضرت فاطمه و حضرت امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام وارد شده است که حافظان حدیث آن را با اسانیدش در کتاب‌های خویش آورده‌اند. از جمله:

## روایت ابن عساکر

وی با سندی از ابوطیفیل روایت کرده است:

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با اصحاب شورا مناشده کرد، یعنی در مورد پاره‌ای از فضائل و مناقب خود آنان را سوگند داد، و بدین سان با آنان احتجاج کرد، از جمله این‌که به آنان چنین گفته است: «شما را به خداوند سوگند می‌دهم؛ آیا در بین شما احدی هست که از من به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جهت نسب نزدیک‌تر باشد؟ آیا غیر از من در میان شما کسی هست که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را نفس خود قرار داده باشد و فرزندان او را فرزندان خود و زنان او را زنان خود بدانند؟ آنها گفتند: قسم به خدا کسی نیست.»<sup>۱</sup>

۱. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۹۰.

## روایت احمد بن حنبل

وی با سندی از عامر بن سعد از پدرش روایت می‌کند که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که علی را در یکی از جنگ‌ها جانشین خود قرار داده بود، علی به او گفت: آیا مرا در کنار زنان و کودکان باقی می‌گذاری؟! پیامبر فرمود: ای علی، آیا راضی نیستی که نسبت تو به من، مثل نسبت هارون به موسی باشد مگر اینکه پس از من پیامبری نیست؟

همچنین از پیامبر شنیدم که روز خیر می‌گفت: پرچم را فردا به دست مردی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. ما برای دستیابی به این افتخار گردن کشیدیم، پیامبر فرمود: برایم علی را بیاورید... پرچم را به دستش داد و خداوند پیروزی را نصیبش کرد.

نیز هنگامی که این آیه نازل شد: ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ...﴾، رسول خدا ﷺ، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را خواند و گفت: خدایا اینان اهل و خاندان من هستند.<sup>۱</sup>

## روایت ابن شُبّه

وی با سندی از لیث بن سعد از کسی که برایش حدیث نقل

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۸۵.

کرده که گفته است: «دو راهب نجران نزد پیامبر ﷺ آمدند و پیامبر، اسلام را بر آنان عرضه داشت... آن دو راهب پیامبر را به مباهله فراخواندند. پیامبر دست علی و فاطمه و حسن و حسین را گرفت. یکی از آن دو راهب به دیگری گفت: مرد - پیامبر - انصاف به خرج داد. آن دو راهب گفتند: ما با تو مباهله نمی‌کنیم. آنگاه تن به جزیه دادند، چون از آوردن اسلام اکراه داشتند.»<sup>۱</sup>

### روایت حاکم حسکانی

وی با اسانید خود روایت کرده است از حُدَیْفَةُ بْنِ یَمَانَ که گفت: «عاقب» و «سَیِّد» دو اسقف نجران نزد پیامبر آمدند و حضرت تش را به ملاعنه و نفرین یکدیگر دعوت کردند. «عاقب» به «سَیِّد» گفت: اگر با اصحابش خارج شود، پیامبر نیست و اگر با اهل بیتش برای مباهله خارج شود، پیامبر است. رسول خدا ﷺ برخاست، در حالی که علی را از طرف راست خود دعوت کرد، سپس حسن را که از سمت چپش آمد. سپس حسین را که از سمت راست علی آمد و سپس فاطمه را که به دنبال آنان رهسپار شد.

«عاقب» به «سَیِّد» گفت: با او مباهله مکن. اگر با او ملاعنه کنی، ما و فرزندانمان هرگز روی رستگاری را نخواهیم دید.

۱. ابن شَبَّه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۵۳۸.

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر با من مباحله می‌کردید، در یک چشم به هم‌زدنی نجران باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup>

## دلالیت آیه

علمای امامیه وجه دلالیت آیه مباحله بر امامت، را از امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام گرفته‌اند؛ شریف مرتضی موسوی گوید: «شیخ مفید برایم حدیث گفت: مأمون روزی به امام رضا علیه السلام عرضه داشت: مرا از بزرگترین فضیلت امیرمؤمنان علی علیه السلام که قرآن بر آن دلالیت می‌کند، خبر ده. امام رضا علیه السلام فرمود: فضیلت و برتری او در مباحله است؛ خدای متعال فرمود:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

رسول خدا ﷺ، حسن و حسین علیهما السلام را خواند که آن دو به منزله پسرانش بودند؛ و فاطمه را خواند که در این جایگاه به منزله زنان بود؛ و امیرمؤمنان را خواند که او به حکم خدای متعال، به منزله جان پیامبر بود. این نکته قطعی است که هیچ

۱. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۲۶.

کس برتر و با فضیلت تر از رسول خدا ﷺ نیست. پس باید که در حکم خدای متعال، هیچ کس برتر از جان رسول خدا ﷺ نباشد.

مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: آیا چنین نیست که خدای متعالی «ابناء» را به لفظ جمع گفت، در حالی که رسول خدا فقط دو پسر خود را خواند؟ و «نساء» را به لفظ جمع ذکر کرد، ولی پیامبر تنها دخترش فاطمه را خواند؟ پس چرا جایز نباشد که برای خود فراخواند و در حقیقت خودش و نه دیگری مراد باشد و دیگر برای امیر مؤمنان، آن برتری را که گفتی، وجود نخواهد داشت.

امام رضا علیه السلام به او فرمود: ای حاکم مسلمانان، آنچه گفتی صحیح نیست. دعوت‌گر در آن جا دعوت کننده به غیر خود بود؛ همان گونه که امر کننده به دیگری امر می‌کرد و دستور می‌داد. و صحیح نیست که در حقیقت کسی دعوت‌گر خود باشد؛ همان گونه که در حقیقت نمی‌تواند کسی امر کننده به خود باشد. معلوم است که در آنجا رسول خدا مردی جز امیرالمؤمنین را در مباهله فراخواند. پس با این سخنان معلوم می‌شود که او همان نفس و جان رسول خداست که خدا در کتابش می‌خواسته بدو عنایت کند و حکم خود را در تنزیل آن قرار داده است. مأمون گفت: هنگامی که جواب آمد، سؤال ساقط می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. سید مرتضی، الفصول المختارة من العیون و المحاسن، ص ۳۸.

شیخ مفید گوید: «در ماجرای اهل نجران، بیانی از برتری امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام است، به علاوه معجزه‌ای برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که در آن است و دلالت بر نبوت پیامبر می‌کند.

بنگر که نصارا به نبوت او اعتراف کردند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعد از امتناع آنها از مباحله، با آنان کاری نداشت و آنان می‌دانستند که اگر با او مباحله کنند، بر آنان عذاب نازل خواهد شد. خدای متعال او و خاندانش را به پیروزی مطمئن ساخت و این که برهان آنها پیروز است. خدای متعال در آیه مباحله حکم کرده که امیر مؤمنان، نفس رسول خدا است و این نکته رسیدن به نهایت فضل را برای امیر مؤمنان می‌رساند. مباحله نشان می‌دهد که حضرتش در کمال و عصمت از گناهان، با پیامبر یکسان است و خدای متعال، او و همسر و دو پسرش را - علی‌رغم تفاوت سنی آنها - بر دینش برهان قرار داده و آشکارا بیان می‌دارد که حسن و حسین پسرانش و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام زنان اویند که خطاب قرآن برای درخواست به مباحله و احتجاج، متوجه آنهاست.

هیچ یک از امت با آنها در این فضیلت شریک نیست، بلکه هیچ کس به آنها نمی‌تواند نزدیک شود و نمی‌تواند در آن مورد با آنها همسان شود. این یکی از فضائل مخصوص امیر مؤمنان است که برای وی اثبات می‌شود؛ بنابراین آن چه ما گفتیم.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی گوید: یکی از استدلال‌هایی که بر فضیلت

۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۶۹.

علی علیه السلام می شود، سخن خدای متعال است که فرمود: ﴿...فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ...﴾؛ وجه دلالت بر آن: ثابت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به مباهله فراخوانده است و اهل نقل و تفسیر بر این مطلب اجماع دارند. نمی توان کسی را به این مقام خواند تا حجت باشد، مگر کسی که در غایت برتری و علو مقام باشد. در مورد سخن خدای متعال: ﴿أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾، جایز نیست که مدعو - دعوت شده - در این آیه پیامبر باشد. چون او داعی - دعوت کننده - است و روا نیست که انسان خودش را دعوت کند، بلکه باید غیر خودش را فراخواند؛ همان گونه که جایز نیست انسان به خودش امر و نهی کند.

سخن خدای متعال را بنگرید: ﴿و انفسنا و انفسکم﴾ این سخن، ناگزیر اشاره به غیر رسول دارد و باید اشاره به امیر مؤمنان علیه السلام باشد؛ برای این که هیچ کسی در مورد غیر امیر مؤمنان و همسر و فرزندش ادعا نکرده که در این قصه، مباهله وارد شده باشند...»<sup>۱</sup>

۱. شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ج ۳، ص ۶ - ۷.





## بخش ۵

### آیه انذار

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۱</sup>

[ای پیامبر،] تو فقط هشدار دهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است.

#### تعیین مصداق آیه در روایات

براساس روایات تفسیری ذیل آیه، در مورد مصداق (هَادٍ) در آیه از پیامبر اسلام می‌پرسند و ایشان این فرد را حضرت علی عَلِيٌّ معرفی می‌کنند.

#### اسناد روایت

شمار زیادی از صحابه و حافظان و محدثان اهل سنت این حدیث را آورده‌اند که مصداق آیه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ

---

۱. رعد، ۷.

هَادٍ امیر المؤمنین علیه السلام است. برخی از آنان عبارت‌اند:

الف) صحابه

- ۱- حضرت علی علیه السلام
- ۲- عبدالله بن عباس
- ۳- جابر بن عبدالله انصاری
- ۴- عبدالله بن مسعود
- ۵- ابوهریره
- ۶- سعد بن معاذ

ب) حافظان و محدثان

نام راوی	قرن
ابو عبدالله حسین بن حکم حبیری کوفی (م ۲۸۶ هـ) عبدالله بن احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۹۰ هـ)	سوم
محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)	پنجم
ابوالقاسم علی بن حسن بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ هـ) شیرویه بن شهردار دیلمی (م ۵۰۹ هـ)	ششم
فخرالدین محمد بن عمر رازی (م ۶۰۶ هـ) ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ)	هفتم
ابراهیم بن محمد حَمَوَی (م ۷۲۲ هـ) ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ هـ)	هشتم

نهم	نورالدین هیثمی (م ۸۰۷ هـ)
دهم	جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ هـ)
	شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ هـ)

## متن حدیث

روایاتی که بیان‌گر مصداق آیه انذار است، با الفاظ مختلفی روایت شده است؛ اما همه یک مضمون را گزارش می‌کند و آن تعیین مصداق برای کلمه «منذر و هادی» در آیه است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود را منذر و حضرت علی عَلِيٌّ را هادی معرفی کرده است. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم.

## روایت طبری

وی با سندی از ابن عباس روایت کرده است که گفت: وقتی این آیه نازل شد: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾؛ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستش را روی سینه علی عَلِيٌّ نهاد و گفت: من هشدار دهنده‌ام و برای هر قومی هدایت‌گری است و به شانه علی عَلِيٌّ اشاره کرد و گفت: تو هادی هستی، ای علی. تنها به وسیله تو هدایت جویان پس از من هدایت خواهند شد.<sup>۱</sup>

## روایت حاکم نیشابوری

وی با سندی از عبّاد بن عبدالله اسدی از علی عَلِيٌّ آورده که

۱. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۷۲.

ذیل آیه: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت:  
رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منذر (بیم دهنده) است و من هادی  
(هدایت‌گر) هستم.<sup>۱</sup>

#### روایت ابن عساکر

او با سندی از ابن عباس روایت کرده است که گفت: وقتی  
آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» نازل شد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
فرمود: من منذر هستم و علی هادی است. ای علی، هدایت  
جویان فقط به تو هدایت می‌شوند.<sup>۲</sup>

#### روایت سیوطی

وی با سندی روایت کرده است که وقتی آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ  
وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» نازل شد، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست خود را  
روی سینه‌اش قرار داد و گفت: من منذر هستم و با دستش به  
شانه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره کرد و گفت: تو هادی هستی. یا علی!، پس از  
من، هدایت شوندگان فقط به وسیله تو هدایت می‌شوند.<sup>۳</sup>

#### دلالت آیه

باید به اجزاء و مفردات آیه دقت کرد؛ کلمه «إِنَّمَا» بدون  
تردید، دلالت بر انحصار می‌کند. «أَنْذَار» خبر دادن همراه با

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳. سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵.

هشدار دادن است، همان طور که «تبشیر» خبر دادن به چیزی همراه با سرور و خوشحالی است.

بیضاوی در تفسیر ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ﴾ گفته است: «تو هم چون دیگر پیامبران، برای انذار و هشدار فرستاده شده‌ای، و بر تو نیست مگر آوردن آن چه نبوت تو را آشکار سازد.»<sup>۱</sup> آیات وارد شده در این موضوع زیاد است. در برخی از آنها نیز الفاظ گوناگون حصر و انحصار وجود دارد که این معنا را می‌رساند، مانند این آیات:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾؛<sup>۲</sup>

تو فقط هشدار دهنده‌ای، و خدا بر هر چیزی نگهبان است.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾؛<sup>۳</sup>

بگو: «ای مردم، من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم.»

در برخی از آیات، «انذار» را علت غایی و نهایی برای پیامبر دارای کتاب و نزول وحی بر وی دانسته‌اند؛ مانند آیات:

﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ﴾؛<sup>۴</sup>

۱. بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲. هود، ۱۲.

۳. حج، ۴۹.

۴. انعام، ۱۹.

و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>۱</sup>

و تو را جز بشارت‌گر و هشدار دهنده نفرستادیم. آیات زیادی بر این موضوع دلالت می‌کند که وظیفه رسول خدا ﷺ چیزی جز «انذار» و «تبشیر» نیست، و هر دو اینها یعنی بیم (هشدار بر عاقبت سوء و پریشانی) و امید (مژده بر سرور و خوشی) دو گونه خبر دادن است. وظیفه پیامبر فقط خبر دادن است، یعنی ابلاغ کردن و رساندن پیام. این لفظ یعنی ابلاغ در آیات زیادی هم آمده است، به علاوه حصر و انحصار در آن؛ مانند آیات:

﴿فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾<sup>۲</sup>

آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران [وظیفه‌ای] است؟

﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾<sup>۳</sup>

بر پیامبر [خدا وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست.

با توجه به آنچه گفته شد معنای آیه چنین می‌شود که پیامبر ﷺ هشدار دهنده است و برای هر قومی هدایت‌گری

۱. فرقان، ۵۶.

۲. نحل، ۳۵.

۳. مائده، ۹۹.

است به آنچه پیامبر آورده است و او علی علیه السلام است؛ کسی که این [تعالیم] را نگاه داشته و نشر داده و به گرفتن و عمل بدان فراخوانده است، و علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با سخن و عملش به سوی خدا و اسلام هدایت‌گر خواهد بود.

آیه به کمک احادیث فراگیری که یاد شد، بر این مطلب دلالت دارد که خدای متعال، وظیفه پیامبر را «انذار» قرار داده است. وظیفه علی علیه السلام نیز ارشاد امت و راهنمایی آنهاست به راه مستقیمی که به سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منتهی می‌شود. بنابراین، امام مرشد امت است و قائم مقام پیامبر و مقتدای بعد از او برای امت است.





## بخش ۶

### آیه ﴿إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾

﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾<sup>۱</sup>

و بازداشتشان نمایید که آنها مسؤولند.

#### تعیین مصداق آیه در روایات

براساس روایات تفسیری ذیل آیه، درباره مصداق آنچه که در قبال آن از مؤمنان سؤال می‌شود، از پیامبر اسلام ﷺ پرسیدند. ایشان آن را پرسش از ولایت علی عَلِيٍّ معرفی می‌کنند.

#### اسناد روایت

شماری از حافظان و محدثان اهل سنت این روایت را آورده‌اند. برخی از آنان عبارت‌اند:

---

۱. صافات، ۲۴.

نام راوی	قرن
ابو عبدالله حسین بن حکم حبری کوفی (م ۲۸۶ هـ)	سوم
محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی نیشابوری (م ۴۹۰ هـ)	پنجم
ابوالمؤید موفق بن احمد مکی، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸ هـ)	ششم
ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ)	هفتم
شهاب الدین احمد بن محمد خفاجی (م ۱۰۶۹ هـ)	دهم و یازدهم

#### متن حدیث

روایتی که ذیل تفسیر آیه، به ولایت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شده، در کتابهای مختلف اهل سنت آمده است، برخی آن را با یک سند و برخی با چند سند و برخی بدون سند ذکر کرده‌اند. به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

#### روایت حبری

او با سندی از شعبی از ابن عباس روایت می‌کند که ذیل آیه فوق گفته است: یعنی درباره ولایت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. حبری، تفسیر حبری، ص ۳۱۳.

### روایت حاکم حسکانی

وی با چند سند این روایت را آورده است که دو نمونه از آن را می آوریم:

الف - وی با سندی از ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ دربارهٔ آیه ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ روایت می کند که فرمود: دربارهٔ ولایت علی بن ابی طالب عَلِيٍّ سؤال می شود.

ب - او با سندی از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که روز قیامت شود، من و علی بر کنار «صراط» بایستیم، هیچ کسی از کنار ما عبور نخواهد کرد مگر آن که ما از او دربارهٔ ولایت علی عَلِيٍّ می پرسیم. هر که با او بود (می گذرد)، و گرنه ما او را در آتش خواهیم افکند. و این همان سخن خدای متعال است: ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾<sup>۱</sup>.

### روایت خفاجی

روایت وی بدون سند آمده است. او چنین آورده است: «حافظ جمال الدین زرنندی پس از بیان حدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» گوید:

«امام واحدی گوید: «این ولایت و سرپرستی که پیامبر ﷺ آن را برای علی اثبات کرده، همان چیزی است که

۱. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۰ - ۱۶۴.

روز قیامت از آن پرسش می‌شود.» در تفسیر کلام الهی ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ روایت شده است: یعنی درباره ولایت علی و اهل بیت پرسش می‌شود. زیرا خداوند متعال به پیامبرش دستور داده که مردم را آگاه کند که بر تبلیغ رسالت، چیزی از آنان نمی‌خواهد مگر مودت و دوستی اهل بیت را. معنای این مطلب آن است که ایشان مورد پرسش واقع می‌شوند. انتظار و توقع آن است که درباره اهل بیت پیامبر، موالات و دوستی رعایت شود، همان‌گونه که پیامبر خواسته است، نه این که آنان را ضایع کنند و به حال خود واگذارند که البته در این صورت، مورد بازخواست قرار می‌گیرند و تبعاتی به دنبال دارد.

دو روایت مؤید مطلب فوق بیان کرده است:

الف - روایتی از عبدالله بن انس که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که روز قیامت شود و بر کناره جهنم پلی نصب شود، هیچ کس از آن عبور نخواهد کرد مگر این که به همراه خود، نامه دوستی و ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشد.

ب - پیامبر ﷺ فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، روز قیامت قدمی از قدم برداشته نمی‌شود مگر آنکه خدای متعال از هر کس در مورد چهار چیز می‌پرسد: عمرش که در چه راه گذرانده، بدنش که در چه راه فرسوده، مالش که از چه راهی کسب و در چه راهی خرج کرده و دوستی ما اهل بیت، عمر گفت: ای پیامبر خدا، علامت و نشانه دوستی شما چیست؟

حضرت دستش را بر سر علی که در کنارش نشسته بود، نهاد و گفت: نشانه دوستی من دوستی این شخص بعد از من است.<sup>۱</sup>

### روایت حمویی

وی با سندی از ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ درباره این آیه ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ فرمود: درباره ولایت علی بن ابی طالب پرسیده می‌شود.

واحدی گوید: معنای این مطلب آن است که از آنان سؤال می‌شود آیا حق موالات و دوستی را، آن چنان که رسول خدا ﷺ به آنان توصیه و وصیت فرمود، انجام داده‌اند یا خیر؟<sup>۲</sup>

۱. خفاجی، تفسیر آیه الموده، ص ۸۲؛ زرنندی، نظم درر السمطین، ص ۱۰۹.

۲. حمویی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۷۸ - ۷۹.



## بخش ۷

### آیه سابقون

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾<sup>۱</sup>  
﴿و سبقت گیرندگان مقدمند \* آنانند همان  
مقربان [خدا]﴾

#### تعیین مصداق آیه در روایات

بر اساس روایات تفسیری ذیل آیه، درباره مصداق آیه از ابن عباس سؤال می‌شود، و او مصداق آیه را حضرت علی ع معرفی می‌کند.

#### اسناد روایت

شماره از حافظان و محدثان اهل سنت روایت ابن عباس را آورده‌اند، چنین است. برخی از آنان عبارت‌اند:

---

۱. واقعه، ۱۰ - ۱۱.

نام راوی	قرن
محمد بن ابی حاتم رازی (م ۳۲۷ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	چهارم
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ) ابوالحسن علی بن محمد مغازلی (م ۴۸۳ هـ)	پنجم
ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی (م ۵۰۹ هـ) ابوالمؤید موفق بن احمد مکی، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸ هـ)	ششم
ابوالمظفر، یوسف بن قز اوغلی، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ هـ) محب الدین، احمد بن عبدالله طبری (م ۶۹۴ هـ)	هفتم
ابراهیم بن محمد بن مؤید (م ۷۲۲ هـ)	هشتم
جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ هـ) شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ هـ) علی بن حسام الدین متقی (م ۹۷۵ هـ)	دهم

### متن حدیث

متن روایت ابن عباس با اختلاف در نقل مواجه نیست. از این رو، این متن در قالب اسناد متعدد روایت شده است. برای عدم تکرار روایت به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم.<sup>۱</sup>

۱. برای دیدن اسناد بیشتر: بنگرید: حسینی میلانی، علی، خلاصه عیقات الانوار، مجلد آیات ولایت، ص ۴۹۳ - ۴۹۴.



### روایت ابن‌کثیر

وی با سندی از مجاهد از ابن عباس ذیل آیه ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ \* گفته است: یوشع بن نون در ایمان به موسی سبقت گرفت، مؤمن آل یس در ایمان به عیسی، علی بن ابی طالب نیز در ایمان به محمد رسول خدا ﷺ سبقت جست.<sup>۱</sup>

### روایت طبرانی

وی با سندی از مجاهد از ابن عباس روایت کرده است که گفت: سبقت گیرندگان به ایمان سه شخص هستند: یوشع بن نون در ایمان به موسی سبقت گرفت، مؤمن آل یس در ایمان به عیسی، علی بن ابی طالب نیز در ایمان به محمد رسول خدا ﷺ سبقت جست.<sup>۲</sup>

۱. ابن‌کثیر، تفسیرالقرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۴۹.

۲. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۹۳.



## منابع

١. قرآن كريم

ابن تيميه، منهاج السنّة النبويّة، تحقيق: عبدالله محمود، بيروت، دارالكتب العلميّه، بي.تا.

ابن حنبل، احمد، مسند، مصر، مؤسسة قرطبه، بي.تا.  
ابن طاووس، احمد بن موسى، بناء المقالة الفاطمية في نقض الرساله الثمانية، تصحيح و تحقيق: على عدنانى غريفى، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لأحياء التراث، ١٤١١ ق.

ابن عساكر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: محب الدين ابى سعيد عمر بن غرامة عمرى، بيروت، دارالفكر، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلميّة، منشورات محمد على بيضون، ١٤١٩ ق.  
ابونعيم اصفهانى، النور المشتعل من كتاب منازل من القرآن فى على عليه السلام، تحقيق: محمداقر محمودى، تهران، سازمان انتشارات

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤٠٦ق.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر، انوارالتنزيل و اسرار التأويل، تحقيق: محمد عبدالرحمن مرعشلى، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.
- ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الكبير (سنن)، تحقيق: احمد محمد شاكر، القاهرة، دارالحديث، ١٤١٩ق.
- حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: تحت اشرف عبدالرحمن مرعشلى، بى نا، بى جا، بى تا.
- حسكانى، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمدباقر محمودى، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١١ق.
- حلّى، حسن بن يوسف بن مطهر، كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد، تصحيح: حسن حسن زاده آملی، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١١ق.
- زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق.
- سيد مرتضى، على بن الحسين، الذخيرة فى علم الكلام، تحقيق: سيد احمد حسيني، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١١ق.
- سيد مرتضى، على بن الحسين، الفصول المختارة، تحقيق: السيد على ميرشريفى، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
- سيوطى، عبدالرحمن، الدر المنثور فى تفسير بالمأثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشلى، ١٤٠٤ق.
- طبرانى، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، تحقيق طارق بن عوض الله و عبد المحسن بن ابراهيم الحسينى، القاهرة، ناشر دار الحرمین، ١٤١٥ق.

- طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ ق.
- طبرى، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، قاهره، مصر، مكتبة القدسى، ١٣٥٦ ق.
- طوسى، محمد بن حسن، تلخيص الشافى، قم، انتشارات المحبين، ١٣٨٢ ش.
- عكبرى (شيخ مفيد)، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، تحقيق و تصحيح: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
- فخر رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ ق.
- النميرى البصرى، عمر بن شيه، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: فهيم محمد شلتوت، قم، دارالفكر، ١٤١٠ ق.
- هندى، متقى، كنز العمال، تحقيق: شيخ بكرى حيانى، تصحيح: شيخ صفوه سقا، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ ق - ١٩٨٩ م.





